

افزایش مصرف روانگردها میان نوجوانان

تحلیلگر و پژوهشگر اعتیاد، سعید صفاتیان، هشدار می دهد بدون آموزش والدین، برنامه‌های

پیشگیری از اعتیاد نوجوانان موفق نخواهند بود



این روزها شاهد استفاده انواع روانگردها در میان نوجوانان هستیم و از بسیاری از والدین از این مواد اطلاعات کافی ندارند در حالی استفاده از این موارد آسیب های جدی دارد. سعید صفاتیان تحلیلگر و پژوهشگر حوزه اعتیاد معتقد است که پیشگیری در سنین نوجوانی مهم ترین ابزار ماست و بدون آموزش والدین، هیچ برنامه‌ای موفق نمی شود.

● با توجه به تغییرات اجتماعی و ظهور مواد روان گردان جدید، آیا لازم است والدین نسبت به انواع مواد و عوارض آن‌ها آگاهی بیشتری پیدا کنند؟ در مواجهه با شرایط امروز چه باید کرد؟

قطعاً همین‌طور است. گذر از دوره نوجوانی امروز نسبت به ۲۰ یا ۳۰ سال پیش بسیار تغییر کرده است. فضای مجازی و برنامه‌های متعدد آن، همراه با ورود مواد روان گردان جدید در شکل ها و رنگ‌های مختلف، نوجوانان و جوانان را هدف گرفته است. بنابراین نیاز جدی به طراحی و اجرای یک نظام آموزشی فراگیر برای خانواده‌ها وجود دارد؛ کاری که در بسیاری از کشورهای دنیا انجام می‌شود و من از نزدیک دیده‌ام. نکته اصلی این است که آبناهای وجود دارد که به‌طور مشخص مسئول آموزش خانواده‌ها باشد؟ در کشورهای موفق نهادهای دولتی برنامه‌های آموزشی ویژه والدین برگزار می کنند؛ برنامه‌هایی که محور اصلی آن‌ها مهارت‌های زندگی، مهارت فرزندپروری و افزایش تاب‌آوری است. در میان این مهارت‌ها شاید مهم‌ترین موضوع، توانایی «نه گفتن»

هجوم مواد نوپدید میان نوجوانان

والدین ناآگاه، مدارس بدون آموزش کافی و شبکه‌های اجتماعی، زمینه برای گسترش مصرف مواد نوپدید را در میان نوجوانان فراهم کرده‌اند

اعتیاد آسیب اجتماعی تازه‌ای نیست؛ از دیرباز همواره در کمین نوجوانان، جوانان و حتی افراد میانسال و سالخورده بوده و همچنان نیز هست. جالب‌تر اینکه، این آسیب در طول دهه‌های اخیر با وجود افزایش سطح آگاهی عمومی و اطلاع‌رسانی در باره عواقب تلخ آن، نه‌تنها کنترل نشده، بلکه گاه با شدت و سرعت بیشتری گسترش یافته است. در این میان نوع جدیدی از اعتیاد با عنوان «مواد مخدر نوپدید» ظهور کرده که آثار و پیامدهای منفی آن‌ها به‌مراتب سنگین‌تر و پیش‌بینی‌ناپذیرتر از مواد مخدر سنتی همچون تریاک، هروئین و ششیش است. این مواد که اغلب با نام‌هایی فریبنده، شیک و جوان‌پسند عرضه می‌شوند، بیشتر در میان نوجوانان و در جمع‌های دوستانه یا گعده‌های خیابانی رواج یافته‌اند. بارها مسئولان ذی‌ربط نسبت به شیوع آن‌ها هشدار داده‌اند، اما به نظر می‌رسد این هشدارها با وجود اهمیت‌شان نتوانسته‌اند مانع موج فزاینده مصرف در نسل امروز شوند؛ نسلی که در معرض بمبارانی از تحریکات محیطی، تبلیغات پنهان، شبکه‌های اجتماعی و کنجکاوی‌های دوران نوجوانی قرار گرفته است.

ظهور آسیب‌های نوپدید

به تازگی زهرا عابدینی، مدیرکل پیشگیری ستاد مبارزه با مواد مخدر، در سخنانی به نکته مهمی اشاره کرده است. او با بیان اینکه حتی والدینی که تحصیلات عالی یا تجربه کاری طولانی دارند، ممکن است نسبت به آسیب‌های نوپدید شناخت کافی نداشته باشند، تاکید کرده: «اکنون برخی

نوجوان به پیشنهاد مصرف مواد است؛ مهارتی که می‌تواند مسیر زندگی او را تغییر دهد. سؤال اینجاست که چه کسی باید خانواده را آموزش دهد؟ آیا باید از خانواده بخواهیم کتابی بخرد و در خانه مطالعه کند؟ قطعاً خیر؛ این روش جواب نمی‌دهد. در اینجانهادهایی مانند آموزش و پرورش، صداوسیما، وزارت ارشاد، بهزیستی، وزارت بهداشت و... باید وارد عمل شوند. طبق قانون، بیش از ۱۰ تا ۱۲ دستگاه در کشور متولی پیشگیری از اعتیاد هستند. با وجود این جایگاه مهم، هنوز آموزش فراگیر انجام نمی‌شود. خانواده برای اینکه بتواند مهارت یاد بگیرد، باید در کلاس‌های آموزشی شرکت کند و این آموزش را بعد به فرزندش منتقل کند. تازمانی که این اتفاق نیفتد، موفقیت در پیشگیری از اعتیاد بسیار سخت خواهد بود.

● با وجود این وضعیت، برخی مسئولان پس از یک یا

دو سال اعلام می‌کنند که اعتیاد کنترل شده یا کاهش

یافته است. اما آنچه در جامعه دیده می‌شود با این

ادعاها هم‌خوان نیست. علت چیست؟

بر اساس مشاهدات و نظر کارشناسان، روند اعتیاد

در کشور رو به رشد است. مشکل اصلی این است که

برنامه‌های پیشگیری زمان بر و بلندمدت‌اند؛ حداقل پنج

سال طول می‌کشند تا نتیجه دهند. اما مدیرانی که تنها

دو یا سه سال در مسئولیت هستند، انگیزه‌ای برای اجرای

برنامه‌ای ندارند که نتیجه‌اش در دوره مدیریت آن‌ها دیده

نشود. از سوی دیگر، مدیر بالادست نیز از او خروجی

کوتاه‌مدت می‌خواهد؛ خروجی‌ای که واقع بینانه نیست.

درمان و پیشگیری نگاه اجتماعی و درمان محور داشت، انتظار کارشناسان این بود که در دولت چهاردهم، مسئولان حوزه مبارزه با مواد مخدر از میان افراد با رویکرد اجتماعی انتخاب شوند، نه افراد با سایر سوابق. اما این اتفاق رخ نداد. تازمانی که نگاه امنیتی تغییر نکند، ارائه آمار واقعی و اجرای برنامه‌های پیشروی اجتماعی امکان‌پذیر نیست.

● در موضوع اعتیاد زنان، آمارها چه می‌گویند؟ آیا واقعاً روند مصرف در میان دختران نوجوان افزایش یافته است؟

بله، متأسفانه روند رو به رشد است. در یک تحقیق در سال های ۸۰ تا ۸۲، تنها ۵ درصد معنادان کشور زن بودند. در پژوهش بعدی در سال ۹۰، این عدد به ۱۰ درصد رسید؛ یعنی دو برابر. امروز به‌نظر من این رقم حتی بیشتر شده، هرچند هنوز به میانگین جهانی نرسیده‌ایم که در برخی کشورهای اروپای غربی تا ۳۰ یا ۴۰ درصد می‌رسد. در حال حاضر علت اصلی افزایش اعتیاد در میان دختران نوجوان کنجکاوی و لذت‌طلبی، دسترسی آسان و قیمت پایین، تأثیر گروه همسالان، تغییر فرهنگ مصرف در نسل جدید، مشکلات اجتماعی، اقتصادی و ناامیدی نسبت به آینده، فقدان آموزش والدین و اشتغال تمام‌وقت والدین و رهاشدگی نوجوان در ساعات طولانی است. ۲۰ سال پیش در پارک‌ها شاید اگر به‌زور یک دختر سیگار می‌کشید، پنهان می‌کرد؛ اما امروز گروه‌های ۵-۶ نفره نوجوان بدون هیچ پنهان کاری مواد روان گردان مصرف می‌کنند. برای بخشی از این گروه‌ها، مصرف نوعی «کلاس اجتماعی» تلقی می‌شود. از سوی دیگر، خانواده‌ها یا کاملاً سخت‌گیر هستند یا کاملاً‌رها؛ یا پنهان کاری می‌کنند یا تصور می‌کنند خودشان می‌توانند مسئله را حل کنند. این نگاه‌ها موجب تشدید بحران می‌شود.

● با توجه به مجموعه این مشکلات، اولین گام اصلاح وضعیت چیست؟

اولین گام کنار گذاشتن نگاه امنیتی و پذیرفتن اعتیاد به‌عنوان یک آسیب اجتماعی است. بعد از آن باید آموزش مهارت‌های زندگی در مدارس، صداوسیما و دستگاه‌های مرتبط جدی گرفته شود. در کنار آن، والدین باید مسئولیت‌پذیر شوند. همان خانواده‌ای که برای کلاس ریاضی و فیزیک چند میلیون هزینه می‌کند، حاضر نیست یک ساعت در یک جلسه آموزش مهارت‌های فرزندپروری شرکت کند. در شهرهای کوچک هنوز مراجعه به روانشناس و مددکار اجتماعی نوعی «تابو» است. این باورها باید اصلاح شود. اعتبار پژوهش‌ها نشان می‌دهد که اعتیاد سالانه بیش از یک میلیارد دلار به اقتصاد کشور آسیب وارد می‌کند. دستگاه‌ها باید به‌جای ارائه برنامه‌های نمایشی، واقعیت را ببینند و سهم خود را در کاهش این آسیب جدی بگیرند. پیشگیری در سنین نوجوانی مهم‌ترین ابزار ماست و بدون آموزش والدین، هیچ برنامه‌ای موفق نمی‌شود.

جامعه

الهه ابراهیمی

روزنامه نگار

۹

A T I V E N O

یادداشت
O P I N I O N



بی‌تا میرزایی

نایب رئیس کانون کشوری درماترگان اعتیاد

نسل نوجوان در چنگ اعتیاد چندلایه

در سال‌های اخیر اعتیاد نوجوانان به یکی از معضلات پنهان و پیچیده جامعه بدل شده است؛ بحرانی که اغلب به‌سادگی از آن عبور می‌کنیم و ماهیت چندریشه‌ای آن را نمی‌شناسیم. اعتیاد تنها نتیجه یک انتخاب ساده نیست، بلکه حاصل تعامل زیست‌شناختی، روانی، اجتماعی و حتی معنوی است. هر ماده جدید روانگردان که وارد بازار می‌شود، بدون آنکه ریشه‌شناسایی و مدیریت شوند، نسل نوجوان را سریع‌تر و عمیق‌تر گرفتار می‌کند و چرخه آسیب را ادامه می‌دهد. نوجوانان امروز در فضایی پر از سرگشتگی، اضطراب و فقدان مهارت‌های زندگی پایه‌ای، از مدیریت استرس و حل مسئله گرفته تا سازگاری با فشارهای روزمره، رشد می‌کنند. در حالی که مدارس و مراکز آموزشی، به‌ویژه مشاوره تخصصی کودک و نوجوان، پاسخ مناسبی به این نیازها نمی‌دهند، خلأیی ایجاد می‌شود که نوجوانان به‌سرعت به گزینه‌های سریع و در دسترس پناه می‌برند؛ موادی که مافیای مواد مخدر هر روز با ترکیبات تازه عرضه می‌کند.

این بحران زمانی وخیم‌تر می‌شود که مواد صنعتی روانگردان به‌گونه‌ای طراحی شده‌اند که سیستم پاداش مغز را به شدت تحریک می‌کنند. یک تجربه مصرف می‌تواند الگوی لذت طبیعی نوجوان را تغییر دهد و او را به سمت مصرف بیشتر سوق دهد. اعتیاد در این شرایط به‌عنوان یک بیماری مغزی مشکل می‌گیرد و نه یک رفتار اختیاری. اما عامل دیگری که شدت بحران را افزایش می‌دهد، شکاف نسلی میان والدین و نوجوانان است. والدینی که خود در دهه‌های ۵۰ و ۶۰ رشد کرده‌اند، فاصله عمیقی با نسل های ۸۰ و ۹۰ دارند. این شکاف باعث می‌شود نوجوانان برای پر کردن خلأ ارتباطی و دریافت حمایت، به منابع بیرونی مراجعه کنند که اغلب جایگزین خانواده هستند، نه هم‌ارزش آن. فشار همسالان در چنین شرایطی می‌تواند مسیر زندگی نوجوان را به‌طور جدی تغییر دهد.

تعریف مجدد رابطه والد و فرزند نخستین گام در پیشگیری است. کنار گذاشتن نقش سرزنشگر و کنترل‌گر، اطمینان دادن به نوجوان که خانه محل پناه و امنیت است، و محدود کردن قوانین به چند اصل حیاتی مانند محل رفت‌وآمد، افراد همراه و ساعت بازگشت، بیش از هر مجموعه طولانی قانون، مؤثر خواهد بود. تشخیص زودهنگام تغییرات رفتاری، از بی‌حوصلگی و انزوا تا افت تحصیلی و نوسان‌های خلقی، کلید پیشگیری است. مراجعه به مشاور متخصص کودک و نوجوان نه تنها یک گزینه، بلکه ضرورتی حیاتی برای شناسایی مشکلات پیش از وقوع آسیب‌های جدی است. می‌تواند مسیر زندگی نوجوان را پیش از گرفتار شدن به چرخه اعتیاد تغییر دهد. اگر خانواده با واقعیت مصرف مواجه شود، باید آن را بیماری پنهاندارد؛ نه ضعف شخصیت. تشخیص و درمان به‌موقع اعتیاد مسیر زندگی نوجوان را تغییر می‌دهد. حمایت خانواده همراه متخصصان، آموزش مهارت‌های زندگی، کاهش شکاف نسلی، رابطه امن والد و فرزند، حضور مشاوران و مداخله زودهنگام، تنها راه پیشگیری چندلایه است.

“

بدون ایجاد

مهارت‌های

زندگی و «نه

گفتن» در

نوجوانان،

تلاش‌های

پیشگیری

کوتاه‌مدت

و ناکافی

خواهند بود